



پنجمین کارگاه فنی مشارکت آببران در  
مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی

■ ۲۶ دی ماه ۱۳۸۷ ■

عنوان مقاله:

فرآیند ایجاد شکل‌های آبران و چالش‌های مربوطه در شبکه آبیاری و زهکشی دشت عباس

نویسندگان:

عزیزاله عربی<sup>۱</sup>، مهید ممبی<sup>۲</sup>

چکیده

ایجاد گروه‌های مصرف کننده آب و متشکل کردن آنها در قالب تشکل‌های آبران پدیده‌ای اتفاقی و یا برنامه‌ریزی شده از بالا نیست. بلکه نتیجه تعامل، همفکری و چالش‌هایی است که میان ذی‌مدخلان و عناصر موثر مانند مطلعین و معتمدین و همکاران محلی، تیم مطالعاتی مشاور، نمایندگان کارفرما و دیگر سازمان‌های رسمی از یک طرف، و تغییرات مورد نیاز در چارچوب‌های قانونی و نهادی جهت ایجاد بستر مناسب از طرف دیگر است. بنابراین ایجاد تشکل‌های آبران به مثابه نوعی دگرگونی در مدیریت آبیاری از جنبه‌های مالی، سازمانی، حقوقی و قانونی است. بدیهی است این دگرگونی در فضاهای روستایی که تحولات اجتماعی با کندی بیشتری نسبت به محیط‌های شهری صورت می‌گیرد به آسانی و سهولت اتفاق نمی‌افتد و با موانع متعددی مواجه است. البته جنس این موانع در مناطق بهبود و توسعه شبکه آبیاری متفاوت است، در مناطق بهبود با توجه به تجربه و فرهنگ آبیاری دیرینه می‌توان انتظار داشت که ایجاد تشکل‌های آبران با موانع کمتری مواجه باشد و دغدغه‌ها از نوع سازماندهی مجدد مدیریت آبیاری، تغییر مناسبات و روش‌های پیشین و مجاب کردن آبران به پرداخت آب‌بها و هزینه‌های

1- arabi@mahabghodss.com

2- mohebbi\_m@mahabghodss.com

مورد نیاز مدیریت نگهداری و بهره‌برداری شبکه باشد، در مناطق توسعه شبکه آبیاری، ابهام در مالکیت بر اراضی محدوده شبکه آبیاری، ضعف فرهنگ آبیاری، پیشی گرفتن عملیات اجرایی شبکه از ایجاد توانمندی آب‌بران در بهره‌برداری و نگهداری از شبکه آبیاری در قالب تشکل‌های آب‌بران، ضعف مسئولیت‌پذیری و فرهنگ مشارکتی و روحیه تعاون و... از موانع عمده ایجاد تشکل‌های آب‌بران محسوب می‌گردد.

در مقاله‌ای که ارائه خواهد شد سعی می‌شود با اتکا به تجارب مطالعات اجتماعی، نظام‌های بهره‌برداری و ایجاد تشکل‌های آب‌بران انجام شده در بخش بررسی‌های اجتماعی مهندسی مشاور مهتاب قدس بویژه تجربه ایجاد تشکل‌های آب‌بران دشت عباس که تا حدود زیادی ماهیت اجرایی داشت، ضمن ارائه فرایند اجتماعی ایجاد تشکل‌های آب‌بران، موانع اجتماعی، اقتصادی، قانونی و حقوقی که ایجاد تشکل‌های آب‌بران را با مشکل مواجه می‌سازد را تشریح نماید.

کلیدواژه: تشکل، آب‌بران، گروه‌های هم‌آب، همکاران محلی، دشت عباس

## ۱- طرح مسئله

در ایران به علت کمبود ریزش‌های جوی و شرایط خاص آب و هوایی، انجام فعالیت‌های کشاورزی و تأمین نیازهای آبی گیاهان بدون انجام عملیات آبیاری ناممکن و یا بسیار کم بازده است. از طرف دیگر طراحی، ساخت و بهره‌برداری و نگهداری سازه‌های آبی به علت بزرگی و حجم زیاد عملیات و ضرورت هماهنگی در بهره‌برداری از منابع اغلب فراتر از توان بهره‌برداران منفرد بوده، و همواره نیروی کار فراوانی را طلب نموده است. از اینرو همکاری، هماهنگی و یاریگری در ساخت، بهره‌برداری و نگهداری سازه‌های آبی فرآیندی ضروری و الزامی بوده که بهره‌برداران منفرد توانا به انجام آن نبوده‌اند. براساس شواهد فراوان تاریخی همکاری و همیاری مردم در ساخت، نگهداری و بهره‌برداری تأسیسات آبی، سابقه‌ای دیرینه دارد. در نظام ارباب رعیتی، ایجاد کانال‌های انتقال آب از محل بند و مظهر کاریز و قنات تا مزرعه بر عهده رعیت بود. به نحوی که آنها به نسبت میزان آبی که دریافت می‌کردند در ایجاد شبکه آبیاری مشارکتی آمیخته با نوعی اجبار داشتند و مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه آبیاری نیز با رعیت بود. در این ارتباط کشاورزان با انتخاب افراد کارآمد (میراب‌ها)، امور تقسیم و توزیع عملیات لازم را بر عهده آنها قرار می‌دادند.

در نتیجه اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰، عناصری جدید وارد حیات اجتماعی و اقتصادی روستاها شدند که مهم‌ترین آنها حضور دولت‌ها و نهادهای دولتی بود. از این مقطع به بعد، شاهد تضعیف تدریجی الگوهای مشارکت سنتی در سطح روستاها بوده‌ایم، زیرا برنامه‌های توسعه روستا به نوعی با الگوهای همکاری سنتی روستائیان تحت شرایط حاکمیت نظام ارباب - رعیتی همخوانی نداشت.

با اجرای پروژه‌های عمرانی و بدست گرفتن وظایف نگهداری و بهره‌برداری پروژه‌ها توسط دولت و کنار گذاشته شدن کارگزاران محلی و بها ندادن و بی‌توجهی به نیروهای فعال منطقه که به راحتی می‌توانستند نگهداری و بهره‌برداری این تأسیسات را انجام دهند، دولت ناچار شد بار سنگین هزینه‌های سرمایه‌گذاری و نگهداری و بهره‌برداری آنها را تحمل نماید. این فرآیند اگرچه اقتدار دولت را به همراه داشت. اما مشکلات

فراوانی گریبانگیر شبکه‌های آبیاری و زهکشی شد. این مشکلات را می‌توان بطور کلی به سه دسته تقسیم کرد:

۱. سوء مدیریت در توزیع آب و کمبود آب آبیاری در نقاط پائین‌دست شبکه و در نتیجه وجود نارضایتی میان آبربران
  ۲. ضعف سیستم بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌های آبیاری و فرسودگی زودهنگام تأسیسات آبی
  ۳. اتلاف آب و فقدان انگیزه برای صرفه‌جویی آن
- واضح است که از نظر کشاورزان تحویل آب ناکافی در نقاط پائین‌دست شبکه‌ها، صرفاً یک مشکل مهندسی نبوده، بلکه عمدتاً مدیریتی است که باعث:
- الف. بی‌عدالتی در توزیع آب**
- ب. عدم شفافیت لازم در برنامه توزیع آب می‌شود.**

تأثیری که چنین مشکلاتی بر کشاورزان و آبربران می‌گذارند عبارتند از:

- بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی نسبت به حفاظت از شبکه
- دست‌کاری و یا تخریب تأسیسات آبرگیر برای دریافت آب بیشتر و یا ابراز مخالفت با سیستم مدیریت
- عدم انگیزه برای پرداخت آب بها
- فقدان الگوی کشت توافق شده بین کشاورزان و اداره آبیاری از دیگر مشکلات مدیریتی شبکه‌های مدرن آبیاری می‌باشد و بسیاری از کشاورزان به دلیل وضعیت نامشخص حجم آب سالیانه قابل تحویل، الگوی کشت مشخصی را نمی‌توانند برنامه ریزی کنند.

بررسی عملکرد شبکه‌های آبیاری در ایران نشان می‌دهد که، ضعف مدیریت نگهداری از شبکه‌های آبیاری فقط ناشی از کمبود بودجه نیست، بلکه این مشکل نیز ریشه در مسائل مدیریتی دارد. متأسفانه در اکثر شبکه‌های مدرن آبیاری کشور، کشاورزان شبکه را متعلق به دولت می‌دانند و از اینرو بهره‌برداری و نگهداری آنرا نیز از وظایف محرز دولت می‌دانند. کشاورزان در مورد انجام تعمیرات شبکه بر این باورند که دولت دیر یا زود، شبکه‌های آبیاری متعلق به خود را مورد توجه قرار داده و از زوال کامل آن جلوگیری می‌کند. آنان بارها کارایی و سودمندی روش عریضه نویسی را در مقایسه با مشارکت موثر و مسئولیت‌پذیری تجربه کرده‌اند. از سوی دیگر تأمین آب توسط شرکت‌های بهره‌برداری، کشاورزان را به این باور رسانده است که دولت در هر شرایطی برای آبرسانی و تحویل آن به کشاورزان موظف است و نمی‌تواند در انجام این وظیفه کوتاهی کند.

یکی از دلایل راندمان پائین کاربرد آب در مزرعه، عدم آماده‌سازی کانال‌های درجه ۳ و ۴ شبکه‌های آبیاری شناخته شده است. در این ارتباط اغلب فقدان متولی و یا تشکیلات مناسب و کمبود اعتبار، بعنوان علل اصلی کاستی‌های مربوطه بیان می‌شود. واقعیت آن است که نه دست به دست کردن این مسئولیت میان وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی این مشکل را کرده و می‌کند و نه تزریق بودجه برای اجرای

شبکه‌های فرعی، مشکل راندمان آبیاری در ایران را حل خواهد کرد. مادامی که جایگاه کشاورزان در مدیریت شبکه آبیاری روشن نشود این مشکل همچنان لاینحل باقی خواهد ماند. در صورتی که جایگاه حقیقی کشاورزان در مدیریت شبکه آبیاری به رسمیت شناخته شود و آنان برای اعمال مدیریت و نقش آفرینی آماده شوند و از حقوق کافی برخوردارگردند، بدون تردید، در مقایسه با ماموران دولتی، انگیزه‌های بسیار نیرومندتری برای حفظ و نگهداری شبکه خواهند داشت، در شرایطی که میزان و نحوه آب تحویلی به کشاورزان، تأثیری در حقوق و مزایای کارشناسان و مسئولین دولتی توزیع آب ندارد، مسلماً از آنان نباید انتظار دلسوزی و دلگرمی برای بهبود سیستم توزیع آب داشت. اگر در آشفتگی برنامه‌های توزیع آب، سودهای پنهانی نیز برای توزیع کنندگان آب وجود داشته باشد، این مشکل دو چندان می‌شود.

واضح است که تمامی یا بخش مهمی از تأمین معیشت کشاورزان در گرو بهبود کارکرد سیستم توزیع آب است. بنابراین کشاورزان در ارتباط با ضرورت ارتقاء و بهبود سیستم مدیریت توزیع آب تردیدی ندارند. آنچه که باعث می‌شود در کشاورزان تردیدی در ارتباط با برنامه اصلاحات مدیریت آبیاری بوجود آید، وجود اراده واقعی در بخش دولتی برای بهبود سیستم توزیع در جهت منافع آنان است. بنابراین اگر کشاورزان مطابق با اصول و برنامه‌های توسعه مدیریت مشارکت‌مدار در فرآیند طراحی، ساخت و بهره‌برداری شبکه آبیاری و زهکشی دخالت داده شوند، به لحاظ روحی و روانی از همان ابتدا احساس تعلق نسبت به شبکه و مشکلات آن تقویت شده و همراهی با بخش دولتی را از وظایف محرز خود تلقی می‌کنند (۱).

البته نایبستی از خاطر برود که پیش‌فرض‌های عمده فرهنگی و ذهنی و اقتصادی در سوی بهره‌برداران وجود دارد که آنها را از قبول مسئولیت بر حذر می‌دارد، که حل آن در گرو وقوع تغییرات اساسی در روانشناسی اجتماعی و دگرگونی در طرز تلقی آنان نسبت به رابطه خود با دولت است. لذا چاره‌اندیشی برای خروج از مشکلات جاری مدیریت شبکه‌های آبیاری، یکی از موضوعات اصلی در محافل علمی و کارشناسی بخش آب در ایران و بسیاری از کشورهای جهان بویژه طی سه دهه گذشته بوده است. حاصل این تعاملات رویکرد واگذاری و انتقال مسولیت مدیریت شبکه‌های آبیاری از بخش دولتی به تشکل‌های آب‌بران بوده است این رویکرد به تدریج با اقبال نهادهای کارفرمائی و دولتی در بخش آب مواجه شد و تاکنون در تعدادی از طرح‌های شبکه آبیاری و زهکشی، از جمله شبکه آبیاری و زهکشی دشت عباس مطالعاتی با هدف جلب مشارکت (مالی) ذینفعان در ساخت شبکه‌های فرعی و ایجاد تشکل‌های آب‌بران به منظور انتقال مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌های آبیاری صورت گرفته است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد در صورت تأمین پیش شرط‌های لازم و اعمال ملاحظات اجتماعی و جلب اعتماد ذینفعان، می‌توان مشارکت آنان را در مراحل مختلف تصمیم‌گیری، ساخت و مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌های آبیاری محقق ساخت. البته در اثر تغییر و تحولاتی که طی چند دهه اخیر در فضای اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی جامعه روستایی ایران پدید آمده، بعضی محدودیت‌ها و تنگناها فراروی مشارکت‌های اجتماعی در بخش آب قرار گرفته که موجب کندی روند تحولات مدیریتی و واگذاری بخشی از تصدی‌گری‌های دولتی به نهادهای غیر دولتی شده است. محدودیت‌هایی که به اتکا تجارب بین‌المللی و

ملی در زمینه ایجاد تشکلهای آبربران و انتقال مدیریت می توان از دامنه و گستره آنها کاست و به ایجاد، تکوین و استمرار و پایداری تشکل ها کمک نمود.

بعضی از محدودیتها و تنگناها عبارتند از:

- غلبه اقتصاد دولتی بر دیگر بخشهای اقتصادی و گستره وسیع تصدیگریهای دولتی. این ویژگیها موجب شده است آبربران انتظار داشته باشند، کماکان شبکههای آبیاری و زهکشی توسط دولت اجرا و مدیریت شود.
- ابهام در مالکیت اراضی کشاورزی واقع در محدوده شبکه آبیاری که شناسائی ذینفعان واقعی را دشوار می سازد. این مسئله بویژه در مناطق نوآباد که از یک طرف جز منابع ملی هستند و از سوی دیگر ساکنین بومی و عشایر در آنها دارای حقوق عرفی هستند به چشم می خورد.
- عدم آمادگی لازم نهادهای دولتی و کارفرمائی در پذیرش تحولات جدید مدیریت توزیع آب در شبکههای فرعی. این مسئله می تواند مرحله گذار از مدیریت دولتی به مدیریت غیر دولتی را با تأخیر مواجه سازد که در صفحات بعدی مقاله بدانها خواهیم پرداخت.
- بنیه مالی ضعیف اغلب آبربران که موجب می شود در مشارکت مالی اجرای طرح و در پذیرش مسئولیت مدیریت بهره برداری و نگهداری از شبکههای فرعی با احتیاط برخورد کنند و ریسک پذیری پائینی داشته باشند.
- ضعف در اعتماد متقابل میان آبربران و مدیریت دولتی که در ادبیات نوین تحت عنوان سرمایه اجتماعی از آن یاد می کنند و ریشه آن را به نوعی در گسست دیرینه ارتباط نهادهای حکومتی با مردم می توان جستجو کرد که موجب بروز انواع بدبینیها میان طرفین می شود.

## ۲- تجربه تشکلهای آبربران در برخی کشورها

مدیریت بهره برداری و نگهداری شبکه های آبیاری و زهکشی امروزه در زمره مهمترین مسائل آب و کشاورزی بشمار می رود، بخصوص در کشورهای درحال توسعه مسأله مدیریت شبکه ها نه تنها مسأله دولتها بلکه به مشکلی برای سازمانهای جهانی وام دهنده بدل شده که در پی انجام سرمایه گذاریها ی مطمئن و کسب سود و یا تحقق اهداف توسعه ای مورد انتظار هستند.

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، مدیریت و توسعه بهره برداری منابع آب بطور سنتی تحت حاکمیت و سلطه دولت های مرکزی قرار داشته است. در این رابطه باور عمومی بر این است که تنها دولت قادر به انجام سرمایه گذاریهای سنگین برای احداث و بهره برداری از تأسیسات بزرگ تأمین آب و شبکه های آبیاری است که البته با توجه به نقش حیاتی که آب در این کشورها ایفا می نماید، دخالت و کنترل دولت در این زمینه قابل توجیه بنظر می رسد. با وجود این، بحرانهای مالی که از اوایل دهه ۱۹۸۰ در جهان در حال توسعه شروع شد، ضعف قسمت اعظم این استدلالها را نشان داد. در واقع روند تخریب غالب سیستمهای آبیاری و نارسایی زیربنای موجود، عدم توانایی و نارسایی نهادی بسیاری از سازمانهای دولتی مسئول منابع آب در این کشورها را بخصوص در مدیریت بهره برداری و نگهداری به معرض نمایش گذاشته

است. این نارسایی‌ها شامل فقدان انگیزه و جوابگو نبودن کارکنان سازمانهای مسئول، بالا بودن سطح دخالت‌های سیاسی و عدم دلواپسی کافی در مورد نیازهای مصرف کنندگان می باشد. در نتیجه مصرف کنندگان نیز متقابلاً "انگیزه لازم برای مشارکت در هزینه های سرمایه گذاری و نگهداری یا حتی پرداخت هزینه خدمات دریافتی را ندارند.

سیستم سلسله مراتبی کنترل مرکزی در توسعه و مدیریت پروژه‌های آبیاری بزرگ و متوسط امری کاملاً عادی و رایج است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، دولت سیستمهای آبیاری را برابر امکانات و مقتضیات خود و بدون مشورت با افراد استفاده کننده از سیستم، طراحی و برنامه ریزی کرده است. ضعف این نوع برخورد در مشکلات نگهداری این سیستمها بوده که در بلندمدت ظاهر شده است. در بیشتر مواقع، سازمانهای آبیاری توجه خود را روی توسعه سیستمهای جدید، به بهای عدم توجه به نگهداری سیستمهای موجود، متمرکز نموده‌اند. بعد از احداث سیستم نیز بسیاری از سازمانها قادر به اجرای نقش لازم در زمینه بهره برداری و نگهداری آنها نیستند. سازمانهایی که آب بها و عوارض برای تامین هزینه نگهداری و بهره برداری وضع می کنند، در جمع آوری آن با مشکل روبرو هستند، چرا که زارعین برای پرداخت پول در قبال خدمات ضعیف آنها رغبتی از خود نشان نمی دهند. در نتیجه، سوبسیدهای دولت برای تامین هزینه های نگهداری و بهره برداری اغلب راه خود را در جهت احداث سیستمهای جدید کج می کند.

به این دلیل و دلایل دیگر، قائل شدن نقش برای زارعین در مدیریت آبیاری بعنوان راهی برای تثبیت و بهبود وضع سیستمهای آبیاری در نظر گرفته شده است. یک روش برخورد، افزایش مشارکت مصرف کنندگان است که می تواند جریان گردش اطلاعات را بهبود بخشیده، احساس مالکیت بوجود آورد و به زارعین انگیزه‌های مناسب برای تضمین پایداری سیستم را بدهد. این مفاهیم در بسیاری از سیستمهای تحت اداره دولت وجود ندارد. زارعین بر این باورند که چون در طراحی اولیه سیستمهای آبیاری دولتی کسی نظر آنها را نپرسیده است، برای نگهداری آنها نیز مسئولیتی ندارند تجربیات نشان می دهد وقتی که دانسته‌ها و تجارب زارعین در برنامه ریزی، اجرا و اداره یک سیستم آبیاری به کار گرفته شده‌اند، کارکرد آن سیستم بهتر شده است. علاوه بر این، اگر زارعین در مالکیت سیستم سهمی داشته باشند، رغبت بیشتری برای مشارکت در نگهداری و مراقبت آن از خود نشان می دهند. این مسأله موجب گردیده که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که تولید کشاورزی نقش مهمی در اقتصاد آنها ایفا می کند، ظرف دهه های اخیر اقدامات گسترده‌ای برای ایجاد تشکلهای قانونی (رسمی) و مشارکت دادن آنها در اداره تأسیسات آبیاری انجام پذیرد.

بررسی تجارب کشورهای مختلف در ایجاد تشکلهای و جلب مشارکت آبران نشان می دهد که در برخی از کشورها از جمله جمهوری کره از سالهای دور این فرآیند آغاز شده و شکل گرفته است. در این کشور در آغاز وجود انجمن‌های آبیاری، تبدیل به شرط لازم برای پروژه‌های توسعه آبیاری توسط دولت شد. پس از مدتی تعداد انجمن‌های آبیاری رو به افزایش گذاشت و اراضی تحت کنترل گروههای مصرف کننده آب (تشکلهای سنتی) به انجمنها منتقل شد.

در مکزیک قانون تشکلهای آب بران در سال ۱۹۹۱ به تصویب رسید و اولین گروه قانونی آب بران در سال ۱۹۹۲ تشکیل شد. در این قانون و سایر قوانینی که در سال ۱۹۹۴ به تصویب رسید، نحوه ایجاد تشکلهای آب بران و مشارکت آنها در بهره برداری و نگهداری شبکه ها، سهم بخشهای مختلف تأسیسات تأمین و مصرف آب از آب بها و نقش و مسئولیت سازمانهای ذیربط دولتی در این ارتباط پیش بینی شده بود. این قوانین، اساسنامه تشکلهای را بصورت تیپ (الگو) تدوین و در اختیار متقاضیان و واحدهای آبیاری قرار داده اند.

در کشور اسپانیا هر گروهی که در ارتباط با آب متشکل شوند، به رسمیت شناخته می شوند. اولین قانون آب این کشور در سال ۱۸۶۶ به تصویب رسید که ۲۵ ماده آن مربوط به انجمنهای آبیاری بود. در قوانین جدید آب این کشور نیز که در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۹۹ به تصویب رسید، موضوع انجمنهای آبیاری همچنان مورد توجه بوده است. در قوانین جدید اسپانیا انجمنها علاوه بر جایگاه حقوقی که به لحاظ یک تشکل قانونی دارا هستند، بصورت یک نهاد عمومی نیز شناخته شده اند و ارتباط دولت با آنها تعریف شده است. در این کشور، برای شکل گیری و حمایت از کشاورزان، پس از انتقال مدیریت بهره برداری و نگهداری به تشکلها، حدود ۳ تا ۵ سال عملیات لایروبی انهار و زهکشها توسط ماشین آلات انجمن آبیاری بصورت مجانی انجام شده و آب بران در طول این مدت با نحوه کار ماشین آلات و مکانیزم کار آشنایی کافی پیدا می کنند.

در هندوستان در سال ۱۹۹۷ قانون تشکلهای انجمنهای آبیاری از تصویب مجالس ایالتی و دولت فدرال (مرکزی) گذشت. در این قانون شرایط عضویت در انجمنها، محدوده عمل آنها و ... مشخص شده است. در این کشور، بخش آبیاری (دولت) قبل از تحویل شبکه ها به انجمنها با استفاده از اعتبارات دولتی یا بانک جهانی کلیه سیستمهای شبکه های آبیاری را نوسازی می نماید و شبکه را از لحاظ نیازهای تعمیراتی و ابنیه های لازم به حد استاندارد می رساند، بطوری که شبکه به روز شده تحویل انجمن می گردد و بعد از آن انجمن آبیاری مسئول بهره برداری و نگهداری کانالهای تحت پوشش می باشد. از دیگر اقدامات تشویقی در این کشور، کمک مستقیم مالی دولت به تشکلها و تضمین تأمین آب توسط دولت جهت ایجاد انگیزه در تشکلهاست.

در کشور پاکستان برای مدیریت آب در مزارع، قانون انجمنهای مصرف کننده آب تصویب شد و برای رهبران و اعضای این انجمنها آموزشهایی درباره کیفیت و کمیت همکاریهای فنی، مالی و آموزشی، در جهت حمایت از توسعه انجمنها برگزار شد.

علاوه بر این کشورهای صاحب تجربه، کشورهای نظیر آرژانتین، نپال، کلمبیا، فیلیپین، اندونزی، سریلانکا و تونس به نتایج مؤثری از ایجاد تشکلهای رسمی و مشارکت مصرف کنندگان آب در بهبود مدیریت سیستمهای آبیاری رسیده اند.

چنانکه ملاحظه می شود، در غالب کشورها، اولین قدم در ایجاد تشکلهای رسمی آب بران یا به رسمیت شناختن تشکلهای سنتی، تصویب قانون مشخص، صریح و اختصاصی در این زمینه بوده است (۲). در کشور ایران، جدا از قوانینی که برای ایجاد تشکیلات وابسته به دولت برای مدیریت کشاورزی به تصویب رسید (شرکت های سهامی زراعی، تعاونی تولید و ...) که عموماً هم در عمل موفق نبودند،

مهمترین ضابطه ایجاد تشکل‌های آب‌بران در آئین نامه اجرایی مصرف بهینه آب کشاورزی بوده است. مبنای قانونی این آئین نامه بند (ط) از تبصره ۱۹ قانون برنامه دوم توسعه اجتماعی-اقتصادی بود که ضمن آن مجلس، دولت را مکلف به استفاده بهینه از آب می‌نماید. از سال ۱۳۷۶ تاکنون به مدت شش سال این آئین نامه تنها مرجع دو وزارتخانه مهم دولت یعنی نیرو و جهادکشاورزی برای ایجاد تشکل‌های آب‌بران بوده است. البته قوانین تجارت و تعاون، ضوابط ایجاد ساختارهای قانونی بخش خصوصی را پوشش می‌دهد، لیکن جنبه عمومی دارد. در چند سال گذشته شمار معدودی تشکل‌های آب‌بران در شبکه‌های آبیاری بعضی از دشتهای ایجاد شده است که بدلیل نحوه شکل‌گیری و نوپایی هم‌اکنون با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند، این مشکلات گاه چنان جدی هستند که به توقف و یا انحلال تشکل انجامیده است. در این رابطه می‌توان به مشکلات مالی و دلسردی اعضا به علت عدم تحقق وعده‌های داده شده در زمینه حمایت مالی و یا خدمات تشویقی از تعاونی توسط نهادهای وابسته به دولت در تعاونی‌های تولید (بهبهان) خوزستان، در نظر گرفتن تعهدات سنگین برای اتحادیه تعاونی‌های آب‌بران کانال L2 دشت قزوین و واهمه آب‌بران اشاره کرد، در حالی که در مواردی آب‌بران به شیوه‌ای داوطلبانه و آگاهانه اقدام به تشکیل تشکل‌های آب‌بران نموده‌اند توفیق بیشتری در انجام وظایف و تعهدات تشکل داشته‌اند، تشکل‌های خودجوش اراضی شمال دز، تشکل‌های آب‌بران شبکه آبیاری تجن و انجمن‌های صنفی دشت قزوین از آن جمله هستند. به بیان دیگر توانمندی، استمرار و پایداری تشکل‌های آب‌بران ریشه در فرایند شکل‌گیری آنها و مراقبت‌ها و حمایت‌های سنجیده دارد که نهادهای رسمی و متولی ایجاد تشکل‌های آب‌بران تا قوام یافتن و دستیابی به استقلال نسبی تشکل‌ها بدان موظفند. در مطالعات ایجاد تشکل‌های آب‌بران دشت عباس حتی‌الامکان سعی شده است با کار گسترده و زمانبر میدانی و با تعامل خلاق و برقراری رابطه‌ای اعتماد‌آمیز و مبتنی بر درک متقابل، اطلاع‌رسانی، آموزش، توانمندسازی و از این طریق جلب همراهی و مشارکت آنها، تشکل آب‌بران محصول انتخابی آگاهانه و آزادانه و مسئولانه باشد.

### ۳- فرآیند ایجاد تشکل‌های آب‌بران دشت عباس

در طراحی و سازماندهی تشکل‌های آب‌بران مهمترین عنصر، معرفی شبکه‌های آبیاری و توضیح و تشریح مسائل بهره‌برداری و نگهداری آنها برای ذینفعان است. در ادامه فرایند اجتماعی ایجاد تشکل‌های آب‌بران در محدوده مطالعه و شبکه‌های آبیاری ارائه شده است.

#### ۳-۱- محدوده مطالعه

محدوده مطالعه در دشت عباس قرار دارد. این دشت در شهرستان دهلران از استان ایلام واقع است. اصلی‌ترین راه دسترسی به دشت عباس، راه آسفالت‌اندیمشک - دهلران است که از داخل دشت عبور می‌کند. فاصله شهرستان‌های اندیمشک و دهلران تا مرکز دشت به ترتیب برابر با ۵۸ و ۶۷ کیلومتر است. منطقه دشت عباس جزء مناطق خشک و نیمه‌خشک محسوب می‌شود و تابستان‌های گرم و طولانی و زمستان‌های نسبتاً معتدل از خصوصیات بارز این منطقه است و عبور زهکشی طبیعی در میانه دشت، آن را به دو ناحیه شمالی تقسیم کرده است. در سال ۱۳۸۵ در این دشت ۱۳ روستا مشتمل بر ۸۳۷ خانوار و



۵۶۰۱ نفر جمعیت بوده است. محدوده مطالعاتی با ۱۹۵۴۰ هکتار و عمدتاً<sup>۱</sup> در کلاس خاک ۲۱۰ سرزمینی کشاورزی است که از این مقدار ۱۰۵۰۰ هکتار در ناحیه شمالی و ۵۹۵۰ هکتار در ناحیه جنوبی قرار دارد. تا چندی پیش زراعت دیم و دامداری به شیوه سنتی مهم‌ترین منابع درآمدی اهالی را تشکیل می‌دادند. با حفر چاه‌ها و شروع بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی به تدریج کشت محصولات آبی به الگوی زراعی منطقه اضافه شد به نحوی که از طریق منابع آب زیرزمینی نزدیک به ۵۰ درصد اراضی کشاورزی دشت عباس به کشت محصولات آبی و نیمه‌آبی شامل غلات، ذرت دانه‌ای، سبزی و صیفی‌جات تبدیل شده است. به منظور توسعه اراضی کشاورزی دشت‌های عباس، عین‌خوش و فکه و رفع کمبود اراضی آبی این دشت‌ها، انتقال بخشی از آب تنظیمی سد کرخه پیش بینی شده است. کل آب انتقالی توسط سیستم انتقال حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب است که ۱۷۸ میلیون مترمکعب آن برای آبیاری ۱۶۴۵۰ هکتار شبکه آبیاری دشت عباس که به ۵ ناحیه عمرانی تقسیم شده است اختصاص یافته است. کانال‌های اصلی آبیاری ساخته شده‌اند و هم‌اکنون از این کانال‌ها در ناحیه جنوبی دشت بهره‌برداری می‌شود اما در ناحیه شمالی دشت در دست ساخت و اجرا هستند. مدیریت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی دشت عباس به عهده اداره منابع آب شهرستان دهلران است، این اداره در سال ۸۵ بیشتر با هدف جلب مشارکت ذینفعان در هر یک از روستاهای منطقه یک تعاونی آب‌بران بدون انطباق لازم با مرزبندی‌های هیدرولیکی و روستایی ایجاد کرده است اما چندان فعال نیستند و ارتباط اداره منابع آب با کشاورزان از نقطه نظر قراردادهای آبیاری و تحویل آب بصورت انفرادی است. آب در محل آبیگرهای درجه ۲ تحویل کشاورزان می‌شود و کشاورزان با حفر کانال‌های خاکی و بعضاً<sup>۲</sup> با پوشش پلاستیکی، اراضی کشاورزی (حاشیه کانال‌های اصلی) را آبیاری می‌کنند. در اراضی که نیاز به تسطیح دارد بهره‌برداری از آب انتقالی میسر نیست.

### ۳-۲- ابعاد و سازماندهی مطالعات ایجاد تشکلهای آب‌بران

در شرح خدمات مطالعات تحت عنوان مطالعات مربوط به گروه‌های مصرف‌کننده آب و ایجاد تشکلهای مربوطه در محدوده شبکه آبیاری و زهکشی دشت عباس، انجام آن در چندین گام به شرح زیر پیش بینی شده بود:

گام اول: گردآوری، تولید اطلاعات و سازماندهی همکاران محلی

گام دوم: برگزاری جلسات با ذینفعان

گام سوم: طراحی و سازماندهی تشکلهای مصرف‌کنندگان آب

گام چهارم: ظرفیت‌سازی برای واگذاری مدیریت به تشکلهای مصرف‌کنندگان آب

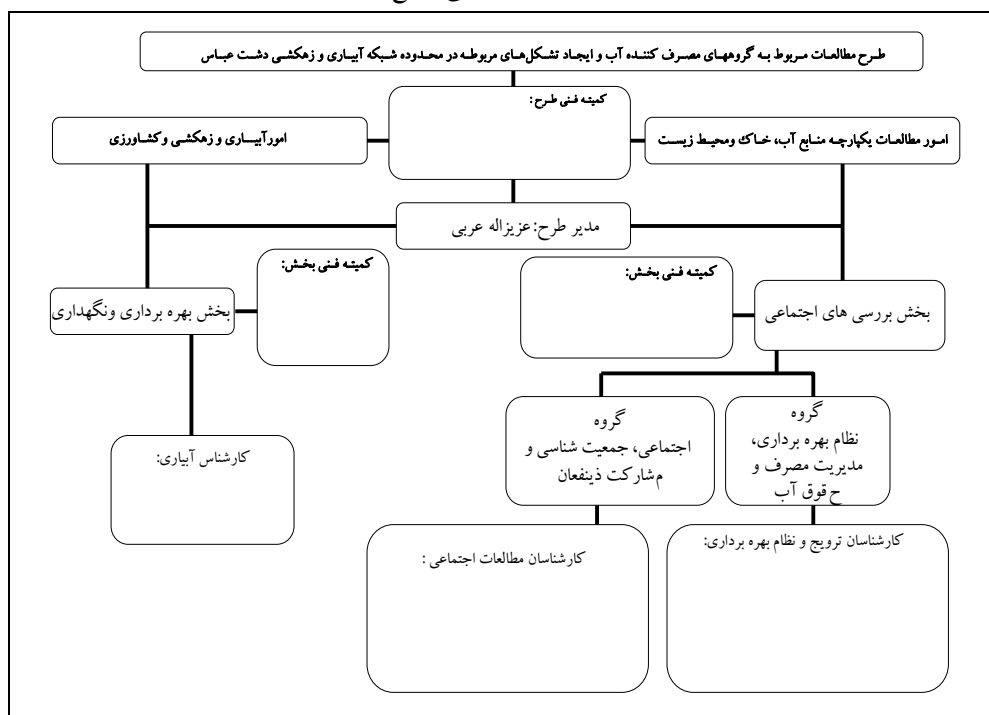
گام پنجم: تعیین روش و برنامه زمان‌بندی واگذاری مدیریت شبکه به تشکلهای مصرف‌کنندگان آب در شبکه دشت عباس و نظارت بر انعقاد موافقتنامه‌ها در واگذاری کارها به تشکلهای<sup>۱</sup>

۱- حق‌الزحمه نظارت بر فعالیت‌های اجرایی مانند برگزاری انتخابات، تاسیس و آغاز به کار تشکلهای، برگزاری کلاس‌ها و بازدیدها بصورت

جداگانه توسط کارفرما به مشاور پرداخت خواهد شد.

مدت این مطالعات یکسال از بهمن‌ماه ۱۳۸۵ تا بهمن‌ماه ۱۳۸۶ پیش‌بینی شده بود که با تمدید مدت آن، مطالعات طی ۱۶ ماه به اتمام رسید. تیم پروژه‌ای که این مطالعات را انجام داد شامل ۱۴ نفر با تخصص‌های جامعه‌شناسی، مردشناسی، ترویج، آبیاری، اقتصاد کشاورزی، جمعیت و یک نفر کارشناس کشاورزی مقیم در منطقه بودند. در نمودار زیر سازمان تیم پروژه نشان داده شده است.

### نمودار تشکیلاتی طرح



برای اینکه مشاور سطح ارتباطات خود با جامعه محلی را افزایش دهد و رابطه‌ای مبتنی بر درک و اعتماد متقابل میان تیم پروژه و ذینفعان برقرار شود با کمک و حمایت کارفرما دفتر و اقامتگاهی را با نصب نقشه‌های طراحی و کاداستر شبکه در مقیاس بزرگ و قابل استفاده بر دیوار آن تجهیز کرد و با توجه به حضور قوی مشاور در منطقه<sup>۱</sup>، این دفتر به پاتوقی برای کشاورزان و محلی برای تشکیل جلسات متعدد آنان با مشاور و نمایندگان کارفرما و دیگر نهادهای رسمی و افزایش اطلاعات و آگاهی‌های آنان در مورد طرح و تشخیص فواید و ایرادات آن شد ذینفعان هر روزه با بررسی نقشه‌های کاداستر موقعیت اراضی خود و دیگران را در محدوده شبکه شناسایی و مورد بررسی قرارداد و پیشنهادهایی را ارائه می‌دادند. در این دوره گاه لحظات جذابی در جریان بحث و گفتگو میان ذینفعان خلق می‌شد که کمک بزرگی به مشاور در شناخت نقطه نظرها و مسایل و محدودیتها و ظرفیتهای جامعه محلی و آبران و دستیابی به راهکارهای موثر نمود.

۱- بالغ بر ۲۰۰ نفر روز کار میدانی شد.

### ۳-۳- شناسایی صاحبان اراضی کشاورزی محدوده شبکه آبیاری

شناسایی صاحبان اراضی و به بیانی آبربر، از طریق نقشه‌های کاداستر محدوده شبکه آبیاری و زهکشی صورت گرفت. اما این نقشه‌ها در سال ۱۳۸۱ تهیه شده بود که با وجود خطاهایی که در شناسایی صاحبان اراضی داشت، تحولات مالکیت ناشی از تقسیم زمین میان وراث و خرید و فروش زمین در سال‌های بعد را شامل نمی‌شد و لازم بود با کمک مطلعین و همکاران محلی و با صرف زمان و انرژی قابل ملاحظه، نقشه‌های کاداستر، بهنگام شوند.

### ۳-۴- شناسایی و سازماندهی همکاران محلی

با توجه به شرح خدمات و رویکرد اصلی مشاور، در فرایند بهنگام‌سازی اطلاعات کاداستر، با شمار زیادی از افراد محلی شامل اعضای شوراهای اسلامی روستایی، مدیران تعاونی‌های آبربر، برخی خبرگان و رهبران جوامع محلی ارتباط برقرار شد. این ارتباط شرایط بسیار مناسبی را برای گزینش مستعدترین و کارآمدترین عناصر محلی بعنوان همکار طرح فراهم آورد. بر اساس روش‌شناسی مطالعات همکاران محلی می‌بایستی پس از کسب آموزش‌های لازم و درک اهداف طرح، بعنوان تسهیل‌گر در جریان اجرای طرح ایفای نقش نمایند و وظیفه انتقال پیام‌ها و نظرات تمامی ذی‌مدخلان شامل سازمان‌های ذیربط دولتی و آبربران و مشاور و پیمانکاران را بر عهده گیرند، از اینها مهمتر بعنوان پیشگامان تغییر به پیشبرد فرایند توسعه یاری رسانند. سرانجام با توجه به معیارهای علاقمندی، آمادگی برای خدمت داوطلبانه، خوشنامی و مقبولیت و پیگیری و همفکری با کارشناسان امور آب دهلران و آب منطقه‌ای ایلام، همکاران محلی برگزیده شدند.

### ۳-۵- تشکیل جلسات با ذینفعان و مصرف‌کنندگان آب به منظور دستیابی به تشکل مناسب آبربران

از روش‌های موثر آشنایی با منطقه مطالعاتی، تبادل آراء، نظرات، انتقال اطلاعات و دستیابی به فضایی دوستانه و اعتمادآميز (که لازمه طرح‌های مشارکتی است)، برگزاری جلسات و کارگاه‌ها با جامعه مورد بررسی و هدف است.

برای پاسخ به شرح خدمات مطالعات ایجاد تشکل‌های آبربران، تیم مطالعاتی ناگزیر بود سه نوع کارگاه برگزار کند<sup>۱</sup> که به فراخور زمان و پیشرفت مطالعات، در سطوح مختلف ذی‌مدخلان برگزار گردیدند. این سه نوع کارگاه عبارت بودند از:

- کارگاه‌های مشورتی
- کارگاه‌های آموزشی - توجیهی
- کارگاه‌های توجیهی - مشورتی

۱- کارگاه آموزشی نوعی گردهمایی باورانه افراد است که طی آن شرکت‌کنندگان به کمک تسهیلگر در معرض پیام‌ها و مهارت‌های نو قرار گرفته و ضمن تمرین و عمل، آنها را یاد می‌گیرند.

### ۳-۵-۱- کارگاه‌های مشورتی

این کارگاه‌ها در سطح نمایندگان کارفرما و نهادهای دولتی نیمدخل در طرح، مانند نمایندگان شرکت آب منطقه‌ای، سازمان مدیریت منابع آب ایران، سازمان جهاد کشاورزی، بانک کشاورزی، فرماندار و مقامات سیاسی شهرستان و ... در مورد تعیین خط‌مشی و حل مسائل، مشکلات و چالش‌های پیش روی طرح در مقاطع زمانی مختلف مطالعات برگزار گردید.

### ۳-۵-۲- کارگاه‌های آموزشی - توجیهی

این نوع کارگاه‌ها در سطح همکاران محلی طرح و با اهداف زیر برگزار گردید:

- گفتگو در مورد هدف نهائی و هدف‌های خاص طرح و نقش و وظایف آنها،
- گفتگو و تبادل نظر با سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد ذینفع و زیربند در رابطه با طرح،
- گفتگو در مورد شرایط بهره‌برداری پایدار از طرح،

این کارگاه‌ها در مقاطع زمانی مختلف برای آموزش و توجیه همکاران محلی و دریافت بازخوردها از جامعه محلی برگزار گردید. در این کارگاه‌ها علاوه بر نقش و مسئولیت همکاران محلی در روند انجام طرح، مهارت‌هایی مانند استفاده از نقشه‌های شبکه آبیاری، مسائل مهم بهره‌برداری و نگهداری و چگونگی انتقال پیام‌ها به جامعه محلی آموزش داده شد.

### ۳-۵-۳- کارگاه‌های توجیهی - مشورتی

این نوع کارگاه‌ها برای آبران شبکه آبیاری و در روستاهای محدوده مطالعه، با تسهیلگری همکاران محلی برگزار گردید. مباحث مطرح شده در کارگاه‌ها عبارت بودند از:

- الف- تشریح سیمای طرح آبیاری دشت عباس و سیستم مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه آبیاری تا نقطه تحویل آب. برای اینکار با نقشه‌هایی که از شبکه‌های آبیاری تهیه شده بود و استفاده از تجربیات کشاورزان، ویژگی‌های شبکه آبیاری و زهکشی توسط همکار محلی برای سایر بهره‌برداران توضیح داده و سپس از بهره‌برداران خواسته شد که دانسته‌های خود را در مورد شبکه آبیاری عنوان نمایند.
- ب- آشنا ساختن آبران با اهم مسائل، مشکلات و دستاوردهای مدیریت بهره‌برداری و نگهداری در شبکه‌های مدرن آبیاری و زهکشی کشور به منظور افزایش سطح آگاهی‌های ذینفعان و تشریح تجربیات موجود کشور در خصوص وظایف و نقش تشکلهای مدیریت بهره‌برداری و نگهداری شبکه‌ها.
- ج- اطلاع از میزان توافق کشاورزان با مطالب مطروحه و توجه به سئوال‌ها و نکات اصلاحی آنان.
- د- جمع آوری نظرات و دیدگاه‌های کشاورزان درباره مسائل و مشکلات پیش‌روی مدیریت بهره‌برداری و نگهداری و علل احتمالی بروز آنها در شبکه دشت عباس. در این رابطه چون کشاورزان ناحیه عمرانی جنوبی (واحدهای عمرانی ۳ و ۵) و کشاورزان واحد عمرانی یک در ناحیه عمرانی شمالی، تجربه استفاده از آب را در دو کشت متوالی داشتند نظرات و دیدگاه‌ها بیشتر معطوف به طرح مشکلات جاری بهره‌برداری و نگهداری از شبکه در این نواحی بود.

۵- بر این اساس بعد از طراحی اولیه تشکلهای آبربران، لازم بود محدوده هر تشکل برای آبربران آن تشکل معرفی و دیدگاهها و نظرات آنها دریافت شود. این معرفی از طریق برگزاری کارگاههای<sup>۱</sup> توجیهی - مشورتی صورت گرفت که شرکتکنندگان آن را همکاران محلی و آبربران تشکیل می دادند. به عبارت دیگر کارگاه توجیهی - مشورتی ابتدا برای همکاران محلی برگزار گردید تا پس از آموزش و توجیه و دریافت نظرات اصلاحی آنان، مشاور در اداره این کارگاهها (توجیهی - مشورتی) ازحمایت ایشان بهره مند شود. در مجموع ۲۳ کارگاه در محدوده مطالعه توسط مشاور برگزار گردید که در جدول زیر تعداد و سهم هرکدام از کارگاهها نشان داده شده است. این کارگاهها که معمولاً "نمایندگان کارفرما نیز در آنها حضور داشتند، در هماهنگی با مطلعین محلی در فضاهای عمومی، منازل مسکونی ذینفعان روستایی و دفتر مشاور برگزار می شد. در کارگاههایی که حضور ذینفعان مهم بود، برای ترغیب آنها از بروشور و اطلاعیه ها و پخش آنها توسط کارشناس مشاور، همکار محلی در روستاها و یا نصب در معابر عمومی روستایی استفاده می شد.

جدول کارگاههای برگزار شده با ذینفعان شبکه آبیاری و زهکشی دشت عباس

ردیف	نوع کارگاه	تعداد	ذینفعان شرکت کننده	موضوعات مهم
۱	مشورتی	۱۰	نهادهای سازمانهای ذینفع محلی، شهرستانی و استانی	مشکلات بانک، تسطیح اراضی، حق اشتراک شبکه
۲	توجیهی - آموزشی	۵	معتمدین و همکاران محلی	توجیه طرح، نقش و انتظارات از آنان در جریان اجرای طرح
۳	توجیهی - مشورتی	۸	آبربران شبکه	سیمای آبیاری شبکه، اهمیت و وظایف تشکل، محدوده و ساختار تشکل

### ۳-۶- طراحی و سازماندهی تشکلهای مصرف کنندگان آب

#### ۳-۶-۱- تلفیق نقشه های شبکه آبیاری فرعی و نقشه های کاداستر

با توجه به اینکه طراحی شبکه فرعی آبیاری و زهکشی دشت عباس انجام و تصویب شده است، مطالعات ابتدا با جمع آوری و بررسی اطلاعات پایه مربوط به شبکه آبیاری و انتقال این اطلاعات به روی نقشه کاداستر آغاز شد. با تلفیق نقشه کاداستر و شبکه آبیاری، فهرستی از مالکین قطعات اراضی کشاورزی تحت آبیاری هر یک از کانالهای درجه سه بدست آمد که در این مطالعات به عنوان گروههای «هم آب» شناخته می شوند. سپس با استفاده از گزارش نهائی شبکه فرعی آبیاری و زهکشی {۳}، نسبت به شناسائی کانالهای تغذیه کننده اقدام شد. با اینکار عملاً مبنای ایجاد تشکلها به یک مرحله بالاتر یعنی آبیگرهای درجه دو سوق داده شد تا با مشخص کردن گروههای هم آب که از یک کانال تغذیه کننده، آب

دریافت می‌کنند، تعداد تشکلهای آبران معلوم شود. در ابتدا ۳۲ تشکل زیر آبگیرهای درجه دو مشخص شد و با انطباق نهائی و ملحوظ داشتن مبانی فنی طراحی و رعایت هم آب بودن صاحبان اراضی، جمعا" ۹ تشکل تعریف شد تا با کاهش تعداد تشکلهای از یک طرف هزینه‌های اداره تشکل کمتر شود و از طرف دیگر آب منطقه‌ای با شمار کمتری از تشکلهای سرو کار داشته باشد و کشاورزان کمتر گرفتار مشکلات اداری شوند.

برای دریافت نظرات آبران در مورد گروه‌های هم‌آب و محدوده تشکلهای، مشاور در ناحیه جنوبی دشت عباس کار آسانتری در پیش روی داشت، زیرا در این ناحیه کانال‌های اصلی آبیاری و دریچه‌های آبگیر ساخته شده است. برای اینکه همکاران محلی و آبران آسانتر موقعیت زمین افراد را تشخیص دهند، تیم مطالعاتی دریچه‌های آبگیر را شماره‌گذاری کردند و همکاران محلی را نسبت به این شماره‌گذاری کاملاً" توجیه نمودند. این تجربه جدید نتیجه بسیار خوبی داد و آبران با موقعیت زمین خود در زیر آبگیرها و تشکلهای آشنا شدند. در این مرحله تیم مطالعاتی با طراحی فرم‌های گره‌های هم‌آب و توجیه همکاران محلی اقدام به شناسایی گروه‌های هم‌آب نمود و سپس با تجمیع گروه‌های هم‌آب با توجه به ملاحظات هیدرولیکی، با کمک معتمدین محلی و رعایت مرزبندی‌های قومی، اقدام به تعیین محدوده هر تشکل نمود. لازم به ذکر است با توجه به طراحی و تصویب شبکه آبیاری و عدم امکان بازنگری در نقاط تحویل آب و تاکید آبران بر ملاحظات قومی در تعیین محدوده تشکلهای، در بعضی موارد پیچیدگی‌های برنامه‌ریزی و مدیریت تحویل و توزیع آب ایجاد می‌کرد که گروه‌های هم‌آب فارغ از گرایش‌های قومی در یک تشکل کنار هم قرار گیرند. در چنین مواردی تیم مطالعاتی پس از توجیه و رفع نگرانی آن دسته از آبران که ممکن بود در یک تشکل در اقلیت قرار گیرند و منافع آنها در تحویل و توزیع آب تحت سیطره مدیریت تشکل با گرایش قومی دیگری باشد، اقدام به شناسایی تعداد افراد و میزان اراضی متعلق به افراد هر قوم و در زیر هر کدام از آبگیرهای درجه ۳ نمود و طی یک صورتجلسه، مدیریت چنین گروه‌هایی را بنا بر توافق با هیئت موسس تشکلهای به آنان محول کرد.

در ناحیه شمالی دشت عباس روند ایجاد تشکلهای کندتر بود زیرا در این ناحیه ساخت کانال‌های اصلی هنوز به پایان نرسیده و علائم و نشانه‌های میدانی ( Bench mark ) که به عنوان راهنما برای آبران عمل می‌نماید وجود ندارد و آبران باید بر اساس نقشه تلفیقی کاداستر و شبکه آبیاری، موقعیت زمین خود را نسبت به شبکه تشخیص می‌دادند. در این ناحیه مشاور مجبور شد ابتدا گروه‌های هم‌آب را بر اساس نقشه مذکور شناسایی و در تعامل با همکاران محلی نسبت به شناسایی محدوده هر کدام از تشکل‌ها با توجه به مرزبندی‌های قومی اقدام نمود به نحوی که محدوده عمل تشکلهای در تعارض با بهره برداری بهینه از شبکه قرار نگیرد.

بدین ترتیب ۹ تشکل شناسایی و طراحی شد که از این تعداد ۳ تشکل در ناحیه جنوبی و ۶ تشکل در ناحیه شمالی سازماندهی شدند.

### ۳-۶-۲- انتخاب اعضای هیأت مؤسس در تشکلهای آبران ناحیه جنوبی

از آنجایی که شکل حقوقی این تشکلهای هنوز بر مشاور معلوم نبود، مشاور بهتر دید تا زمانیکه این تشکلهای در یک ساختار قانونی مناسب به ثبت برسند، با انتخاب اعضای هیأت مؤسس در هر تشکل برای این دوران گذار بتوانند فعالیت‌های خود را پیگیری کنند. این افراد که کاملاً<sup>۱</sup> به وظایف خود آگاه هستند، رابط بین مشاور، آبران و امور آب دهلران وابسته به شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام هستند. فرایند انتخاب اعضای هیأت مؤسس ایجاد تشکلهای در دشت عباس بدین ترتیب بود که:

الف) ابتدا نماینده هر گروه هم‌آب با توافق داخلی انتخاب و طی صورتجلسه به مشاور معرفی شد.

ب) در هماهنگی با همکاران محلی، روز انتخابات مشخص و با نصب اطلاعیه‌هایی در معابر عمومی روستاهای تابعه به اطلاع عموم رسید.

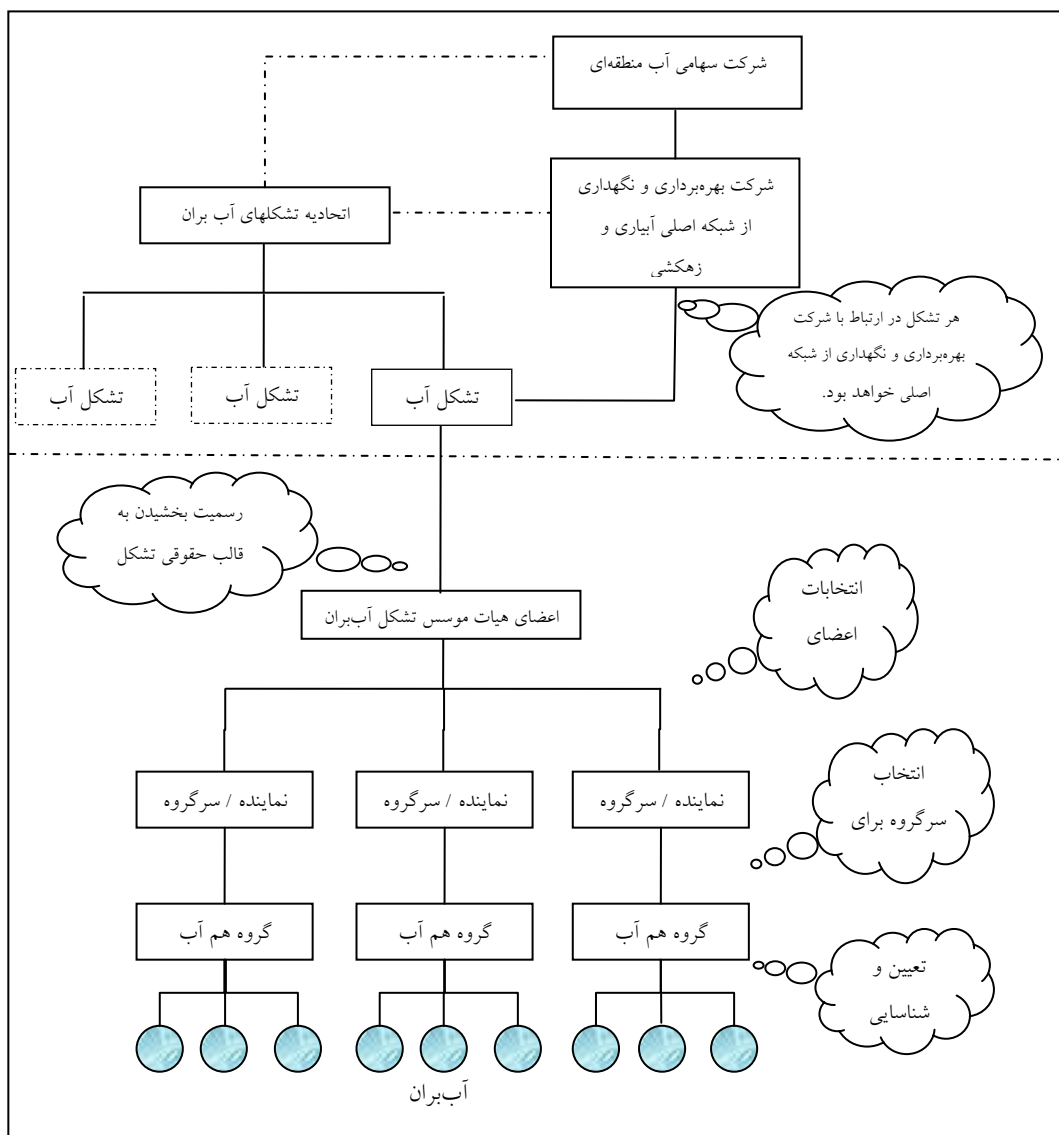
ج) در بعضی از تشکلهای نماینده گروه‌های آبر<sup>۱</sup> و در تعدادی دیگر، اعضای تشکل جهت انتخاب اعضای هیأت مؤسس داوطلب شدند.

د) انتخابات در موعد مقرر برگزار گردید و ۷ نفر که بیشتر از بقیه رأی آورده بودند به عنوان اعضای هیأت مؤسس انتخاب و به اداره منابع آب دهلران معرفی شدند.<sup>۲</sup> و برای مشروعیت بخشیدن به نتایج انتخابات فرم صورتجلسه توسط ریش سفیدان و معتمدین محلی نیز امضاء شد. در زیر نمودار نحوه شکل‌گیری و ارتباط تشکلهای آبران نشان داده شده است.

۱- هر کدام از گروه‌های هم‌آب یک سرگروه یا نماینده از میان اعضا انتخاب و در فرم‌هایی که برای این منظور طراحی شده بود با امضای آبران به تیم مطالعاتی معرفی کردند.

۲- لازم به ذکر است در حال حاضر یک تعاونی تولید در دشت عباس فعالیت دارد که با توجه به انطباق محدوده این تعاونی با یکی از تشکلهای مقرر شد با اصلاح اساسنامه این تعاونی وظایف تشکل آبران را نیز عهده‌دار گردد.

### نمودار نحوه ارتباطات و شکل‌گیری تشکلهای آب‌بران



### ۴- عوامل بازدارنده و چالش‌های پیش رو در ایجاد تشکلهای آب‌بران

#### ۴-۱- پیشی گرفتن عملیات اجرایی سازه‌ای از مطالعات اجتماعی

این مسئله مهمترین عامل بازدارنده در ایجاد تشکلهای مصرف‌کننده آب است<sup>۱</sup>. منطقه دشت عباس بعلت اینکه بیشتر اراضی کشاورزی آن دیم و هیچ نوع سیستم مدیریت آبیاری سطحی را تجربه نکرده بود، شرایط مناسبی داشت تا بعنوان شبکه‌ای نمونه، مشارکت بهره‌برداران در ساخت و واگذاری مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی در آن محقق شود. انتظار تبدیل اراضی دیم به آبی و افزایش ارزش و بهره‌وری زمین به دنبال افزایش سطح زیر کشت محصولات آبی از طریق انتقال بخشی از آب به منطقه، مهمترین ابزار جهت تحریک و تشویق بهره‌برداران در استفاده از این فرصت بود، اما

۱- این موضوع موجب شد برنامه زمانبندی مطالعات، آنچنان که مطلوب مشاور بود پیش نرود و هزینه‌های فراوانی به مشاور تحمیل شود.



انتقال آب کرخه به دشت عباس و به دنبال آن ساخت شبکه اصلی و ایجاد ۱۱ شرکت تعاونی آبربران که عمدتاً با هدف هدایت بهره‌برداران به بانک کشاورزی جهت عقد قرارداد مشارکت مالی بدون اینکه تلاشی برای جلب مشارکت داوطلبانه و آگاهانه ذینفعان کلیدی طرح و توانمندسازی آنها صورت گیرد، تشکیل شده بود. بدیهی است کشاورزی که تا آن زمان تنها نظاره‌گری غیر فعال بشمار می‌آمد به دشواری وارد فرایندی تازه و ناشناخته می‌شد و این ذهنیت طبیعتاً تأثیری منفی بر فرایند ایجاد تشکلهای آبربران داشت. لذا زمان زیادی صرف اقناع جامعه محلی در رابطه با ضرورت ایجاد تشکلهای آبربران و زدودن رسوبات تجربه منفی قبلی شد.

#### ۴-۲- بهره‌برداری از شبکه‌های اصلی قبل از احداث شبکه‌های فرعی

بهره‌برداری از شبکه‌های اصلی، بدون اینکه شبکه‌های فرعی ساخته شده باشد نیز می‌تواند عاملی منفی و بازدارنده در فرایند ایجاد تشکلهای آبربران باشد. در شبکه آبیاری دشت عباس پس از ساخت شبکه آبیاری اصلی، کشاورزان باحفر کانال‌های خاکی و انعقاد قراردادهای فردی با اداره منابع آب دهلران از شبکه آبیاری اصلی بهره‌برداری می‌کردند. این امر ضمن اینکه انسجام اجتماعی جامعه محلی را به مخاطره انداخته و زمینه‌های ایجاد تشکلهای آبربران را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود، موجب بدعتی در نظام آبیاری دشت گردید که با اهداف احداث و بهره‌برداری از شبکه فاصله داشت. اقدام انفرادی کشاورزان در بهره‌برداری از شبکه آبیاری اصلی تبعات زیر را داشته است:

- افزایش تلفات آب و کاهش راندمان آبیاری،
- توزیع نامناسب و نامتعادل آب در اراضی بالادست و پایین دست کانال،
- عدم احساس نیاز به دریافت آب در قالب تشکلهای آبربران در میان آن دسته از کشاورزان که آب مورد نیاز زمین‌های کشاورزی خود را دریافت کرده‌اند،
- عدم امکان کنترل لازم در الگوی کشت در تناسب با آب تخصیص یافته،
- استهلاک شدید ابنیه شبکه آبیاری، مشاهده چنین وضعی تأثیر منفی بر کشاورزان داشته و آنها را در به عهده گرفتن و مدیریت کانال‌های فرعی محتاط کرده است.

#### ۴-۳- اشکال و ابهام در مالکیت اراضی

ابهام در کاربری و مالکیت اراضی بویژه در مناطق نوآباد از مسائل رایج و گاه چالش‌برانگیز میان مدعیان مالکیت بر زمین‌های محدوده طرح‌های توسعه شبکه‌های آبیاری هستند. در این مناطق گاه میان کشاورزان و عشایر که برای خود حقوقی عرفی در استفاده از اراضی قائل هستند از یک طرف و نهادهای دولتی مانند اداره منابع طبیعی و امور اراضی جهاد کشاورزی از طرف دیگر بر سر مالکیت بخش‌هایی از اراضی اختلاف وجود دارد. ابهام‌های مالکیتی و یا عدم استقرار و ثبات مالکیت، بازار گمانه‌زنی نسبت به طرح‌های توسعه کشاورزی از جمله مطالعات ایجاد تشکلهای آبربران را گرم می‌کند و ذینفعان ابتدا با بدگمانی و تردید با تیم مطالعاتی مواجه شوند که در تعارض با مشارکت داوطلبانه آنها است و لازم است اعتماد یا سرمایه اجتماعی جایگزین آن شود.

#### ۴-۴- تعدد نهادهای کارفرمایی در اجرای شبکه فرعی آبیاری و وجود پاره‌ای ناهماهنگی‌ها در سیاست‌گذاری‌ها

وجود دو سازمان متولی اجرای شبکه‌های فرعی آبیاری (شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام و سازمان جهاد کشاورزی ایلام) نیز باعث عدم هماهنگی در سیاست‌ها و اقدامات شده بود. این مسئله در بعضی موارد موجب بروز سیاست‌گذاری‌های متفاوتی شد که کشاورزان به استناد این ناهماهنگی‌ها و تفاوت‌ها نسبت به سیاست‌های اتخاذ شده موضع می‌گرفتند. بارزترین ناهماهنگی را می‌توان در موضوع تسطیح اراضی مشاهده کرد که سازمان جهاد کشاورزی انجام آن را در یکی از واحدهای عمرانی که نقش کارفرمایی را در اجرای شبکه آبیاری فرعی به عهده دارد به کشاورزان وعده داده بود، ولی در سایر واحدهای عمرانی که اجرای شبکه به عهده شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام است انجام تسطیح در برنامه توسعه شبکه‌های آبیاری و زهکشی پیش‌بینی نشده است. از مهمترین دلایلی که مشاور زمان فراوانی برای متقاعد کردن بهره‌برداران و جلب نظر آب‌بران برای شرکت در کارگاه‌ها (بخصوص کارگاه‌های توجیهی-مشورتی) صرف نمود، همین عدم هماهنگی و دوگانگی در سیاست‌گذاری‌ها بود.

#### ۴-۵- عدم پایبندی به تعهدات پذیرفته شده در قبال آب‌بران

برگزاری جلسات متعدد و پی در پی با حضور مسئولین دولتی شهرستان و استان و تصویب بندهای اجرایی در مورد ساخت شبکه فرعی و عدم تعهد به اجرای آنها از دیگر عوامل کم‌رنگ شدن حس مشارکت در ایجاد تشکل‌های آب‌بران است.

#### ۴-۶- سایر عملیات تجهیز و نوسازی برای بهره‌برداری بهینه از شبکه آبیاری

عدم تخصیص هزینه‌هایی مانند تسطیح اراضی مسئله‌ای است که کشاورزان حل آن (تامین اعتبار و اجرا) را مقدم بر ساخت کانال‌های فرعی و ایجاد تشکل می‌دانند. در کارگاه‌هایی که مشاور در منطقه طرح برای ایجاد تبادل نظر و آموزش از طریق گفتگو ایجاد کرده بود در کنار اهداف خود در مورد تشکل، به کرات زمان فراوانی را به شنیدن نقطه نظرها و دغدغه‌های کشاورزان در باره تسطیح اراضی بعنوان پیش شرط مشارکت مالی و ایجاد تشکل آب‌بران اختصاص می‌داد.

#### ۴-۷- تنوع قومی و تاثیر آن بر فرایند ایجاد تشکل‌های آب‌بران

تنوع و مرزبندی‌های قومی از دیگر عوامل کند کننده دستیابی به اهداف مطالعات بود. این عامل هرچند پدیده‌ای فراگیر در منطقه دشت عباس نبود و تنها در بعضی از روستاهای منطقه قابل مشاهده بود اما به هر حال چه در مرحله برگزاری کارگاه‌های آموزشی (که برگزاری دو کارگاه را در یک روستا دیکته می‌کرد) و چه در رابطه با تشکل‌های آب‌بران که روی آرایش تشکل‌ها اثر می‌گذاشت از دیگر عوامل محدود کننده و بازدارنده مطالعات به شمار می‌رفت.

#### ۴-۸- اختلال ناشی از انجام فعالیت‌های موازی

همزمانی سازماندهی تشکل‌های آبربران توسط مشاوران از یک طرف و فعالیت‌های مربوط به جلب مشارکت مالی صاحبان اراضی در قالب تعاونی‌های آبربران توسط کارفرما از طرف دیگر در محدوده شبکه آبیاری و زهکشی و تداخل اجتناب‌ناپذیر مباحث مربوط به مشارکت‌های مالی صاحبان اراضی در جلسات مربوط به ایجاد تشکل‌های آبربران تأثیری بغایت منفی برعلاقمندی و میزان مشارکت همکاران محلی و کشاورزان در جلسات کارگاهی گذاشت. به عبارت دیگر گاه همکاران محلی و نمایندگان تشکل‌ها برای حضور خود در جلسات پیش‌شرط‌هایی به عنوان مثال اجتناب از مباحث مشارکت‌های مالی می‌گذاشتند که قبول این شرط‌ها اغلب امکان‌پذیر نبود. آنها عدم پایبندی به قول و قرارها و سلب اعتماد را دلیل گذاشتن شرط حضور در جلسات بیان می‌کردند.

#### ۴-۹- عدم تجهیز نهادهای رسمی مرتبط با تشکل‌های آبربران

یکی از مشکلات جدی فرا روی ایجاد تشکل‌های آبربران، عدم آمادگی نهادهای رسمی و متولی ایجاد تشکل‌های آبربران برای ایفای چنین نقشی و انتقال مدیریت توزیع آب در شبکه‌های فرعی آبیاری به خود کشاورزان در قالب تشکل‌های آبربران است. در این زمینه اکثر قریب به اتفاق شرکت‌های آب منطقه‌ای و سازمان‌های جهاد کشاورزی هنوز ظرفیت سازی‌های لازم را در زمینه تامین نیروی کارشناسی و جذب متخصصان با تجربه علوم اجتماعی و وارد به موضوعات مرتبط با جلب مشارکت ذینفعان و ایجاد تشکل‌های آبربران را بطور کامل انجام نداده‌اند. در غیاب یک تشکیلات مجهز و کارآمد، انتظار در مورد داشتن رابطه‌ای کارساز و تعاملی فعال و کارآمد میان نهادهای متولی و تشکل‌ها انتظاری بیهوده است و چنین سازمان‌هایی از عهده آموزش و توانمندسازی تشکل‌ها که در آغاز راه سخت بدان نیاز دارند و باید از نظر سازماندهی، فنی و مالی حمایت شوند تا روی پای خود بایستند بر نمی‌آیند و ممکن است بحال خود رها شوند و زحمات بهدر رود. همچنین شفافیت لازم در حقوق و اختیاراتی که باید به تشکل‌ها واگذار شود وجود ندارد. اینگونه ابهامات را می‌توان در زمینه منابع درآمدی و اعتبارات تشکل و رسیدگی به تخلفات آبربران در شرایطی که قوانین و احکام قضایی در این زمینه نارسا هستند را می‌توان مثال آورد.

#### ۴-۱۰- نگرش سنتی به نقش دولت

از آنجا که منابع مالی طرح‌های عمرانی معمولاً توسط دولت تأمین گردیده است، این ذهنیت در بین روستائیان وجود دارد که هزینه‌های اجرایی و حتی نگهداری و بهره‌برداری از شبکه‌های فرعی همانند شبکه‌های اصلی بایستی توسط دولت تأمین شود.

#### ۴-۱۱- نگرانی‌های مالی

در دشت عباس با توجه به وسعت مالکیت‌ها، سهم مشارکت مالی کشاورزان شامل مبالغ بالایی می‌شد که با توجه به شرایط مالی موجود کشاورزان، نگرانی آنها را در توانایی بازپرداخت بدهی اقساط وام به بانک به همراه داشت. از آنجایی که اشخاص صاحب نفوذ بیشتر در گروه بزرگ مالکین شبکه قرار دارند،

بعضاً جامعه محلی را ترغیب به حفظ وضع موجود و موضع‌گیری از جمله عدم همراهی در ایجاد تشکل های آبران می‌کردند.

### ۵- نتیجه‌گیری

در فرایند ایجاد تشکل های آبران در شبکه آبیاری دشت عباس ۹ تشکل آبران سازماندهی شد. در طراحی و سازماندهی این تشکل‌ها مهمترین عنصر، معرفی شبکه های آبیاری و توضیح و تشریح مسائل بهره برداری و نگهداری آنها برای ذینفعان بوده است.

جهت آگاه سازی و ایجاد همدلی و اعتماد ذینفعان، مشاور در ابتدا با شناسایی مطلعین محلی، آنان را از اهداف طرح خود آگاه ساخت، سپس با انتخاب افرادی به عنوان همکار محلی و استمرار ارتباط با مطلعین و معتمدین محلی، توانست یک رابطه مطلوب توأم با اطمینان و اعتماد با آبران ایجاد کند. در چنین فضایی برگزاری کارگاه‌های توجیهی- مشورتی و آموزشی برنامه ریزی و پیش بینی شد.

مهمترین عامل جهت تاثیر کارگاه‌ها و حضور بهره‌برداران هدف، انتخاب زمان مناسب برای کارگاه‌های آموزشی بود. زمان برگزاری این کارگاه‌ها اغلب با همفکری همکاران محلی و رابطه با جامعه محلی تعیین می‌گردید که به علت گرمای هوا در منطقه اغلب در ساعات پایانی روز و شب هنگام که کشاورزان از کارهای روزانه فارغ بودند برگزار می‌شد.

در کارگاه‌ها آبران عملاً با تجربیات و دستاوردهای سایر شبکه‌های کشور در امر بهره‌برداری و نگهداری آشنا می‌شدند و مطالب را مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌دادند.

گام بعدی ظرفیت‌سازی‌های جدید جهت واگذاری مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی و کاهش تصدی‌گری دولت در بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی از طریق سازماندهی آبران جهت ایجاد تشکل‌های مصرف‌کننده آب بود.

مشاور این فعالیت را با شناسایی گروه‌های هم‌آب آغاز کرد. با شناسایی گروه‌های هم‌آب، یک سرگروه از هر گروه انتخاب شد. سرگروه‌ها موظف بودند اعضای هیات موسس را از بین خودشان انتخاب کنند.

لزوم انتخاب اعضای هیات موسس بدین جهت بود که قالب حقوقی این تشکل‌ها هنوز بر مشاور معلوم نبود، بنابراین لازم بود تشکل‌ها تا زمان انتخاب و ثبت یک قالب قانونی مناسب، با انتخاب اعضای هیات موسس در هر تشکل برای این دوران گذار فعالیت‌های خود را پیگیری کنند. این افراد که کاملاً به وظایف خود آگاه هستند، رابط بین مشاور، آبران و اداره امور آبیاری هستند.

ویژگی منحصر به فرد این تشکل‌ها سازگاری ملاحظات فنی شبکه آبیاری با تنوع قومی و مسائل اجتماعی منطقه است.

مشاور علاوه بر انجام شرح خدمات مطالعات، با توجه به نو بودن این مطالعات و زمینه مناسبی که توانسته بود برای مشارکت واقعی آبران در ناحیه عمرانی جنوبی شبکه آبیاری ایجاد کند، تشکل‌های این ناحیه را به صورت پایلوت تا مرحله آغاز به کار پیش برد و حتی انتخابات اعضای هیات موسس را که تجربه نوینی در این زمینه است را انجام داد.

عوامل تسهیل‌کننده در این تجربه مطالعاتی عبارتند از:

#### ▪ حضور نیروهای متخصص

از جمله ابزارهای لازم جهت ترغیب مردم به مشارکت و همراهی در ظرفیت‌سازی و توانمندسازی ایشان، جهت انتقال مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی توان تأثیرگذاری و روشنگری افراد است، ضرورت حضور پررنگ متخصصین جامعه‌شناسی و ترویج در میان تیم پیگیری‌کننده در منطقه، کمک شایانی در جلب نظر آب‌بران نمود.

#### ▪ شرح خدمات ویژه مطالعات و تهیه نقشه راه

انجام اقدامات میدانی در جلب مشارکت کشاورزان بدون طرح و برنامه و به عبارتی نقشه راه می‌تواند دستیابی به اهداف طرح را با مشکل مواجه سازد. اقدامات نسنجیده و یا کارهای موازی به اعتماد عمومی لطمه وارد می‌کند و باعث تضعیف سرمایه اجتماعی (که از مبانی لازم برای اجرا و بهره‌برداری طرح است) می‌شود. خوشبختانه با وجودی که مطالعات ایجاد تشکل‌های آب‌بران دشت عباس تجربه نویی است و امکان استفاده چندانی از تجارب مشابه در کشور وجود نداشت اما مشاور با استفاده از تجارب سایر کشورها و استفاده از نیروهای متخصص ستادی خود توانست یک شرح خدمات بصورت پنج گام مطالعاتی تدوین کند و با جلسات هم‌اندیشی که با حضور مدیران بخش‌های تخصصی مشاور برگزار گردید، تیم مطالعاتی تحت سرپرستی مدیر طرح نقشه راه (Road map) (روشنی را طراحی کرد).

#### ▪ جلب اعتماد آب‌بران و ایجاد یک رابطه متقابل

مشاور توانست با ارتباط نزدیکی که با ساکنین منطقه برقرار کرد تا حدود بسیار زیادی به هدف خود نزدیک شود. همانطور که قبلاً عنوان شد یکی از مشکلات منطقه ابهام مالکیت است، این مسئله با اعتماد متقابلی که میان مشاور و آب‌بران دشت عباس ایجاد شد برطرف گردید، در ضمن، توانست ضمن کمک‌های مشاوره‌ای به کارفرما در ارتباط با مشارکت مالی، طراحی چند تشکل آب‌بران را در شبکه آبیاری و زهکشی دشت عباس به انتها نزدیک کند.

#### ▪ استفاده از رهیافت‌ها، فنون و روش‌های مشارکتی و آموزشی مناسب

با استفاده از روش کارگاه آموزشی، موقعیت خاصی ایجاد شد تا آب‌بران عملاً با تجربیات و دستاوردهای سایر شبکه‌های آبیاری کشور در امر بهره‌برداری و نگهداری آشنا شوند و مطالب را مورد بحث و تبادل نظر قرار داده، مهارت‌های نو را یاد بگیرند. الهام از رهیافت مشارکتی، نظیر ارزیابی مشارکتی روستایی<sup>۱</sup> (PRA) نیز بسیار مناسب بود. استفاده از وسایل کمک آموزشی مانند بروشور یکی از تجربه‌های موفق مشاور بود و نصب اطلاعیه در معابر و اماکن پرتردد روستایی در زمان برگزاری کارگاه‌ها، انتخابات و مقاطع تصمیم‌گیری و اطلاعیه در مورد سازماندهی گروه‌های هم‌آب کمک فراوانی به اهداف مطالعات نمود.

### ▪ استفاده از ظرفیت‌های محلی

وجود یک تعاونی تولید درونزا در منطقه بنام "تعاونی تولید الوار دشت عباس" زمینه مناسبی برای تحقق جلب مشارکت بهره‌برداران و تقبل آگاهانه مسئولیت در این فرایند بود.

### مآخذ

- ۱- حیدری‌یان سید احمد. (۱۳۸۶). انتقال مدیریت آبیاری مبنای و روش شناسی. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. گروه کار مشارکت آب‌بران در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی.
- ۲- پورزند، احمد. (۱۳۸۳). راهکارهای عملی برای ایجاد تشکل‌های آب‌بران و مشارکت آنها در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. شرکت سهامی مدیریت منابع آب ایران.
- ۳- سازمان آب و برق خوزستان. (۱۳۸۲). گزارش سیمای طرح. خدمات مهندسی بازبینی مطالعات مرحله اول شبکه فرعی آبیاری و زهکشی دشت عباس مهندسی مشاور مه‌اب قدس.